

کیمشان

عذرخواهی و حلالیت‌طلبی

آداب و آثار آن

- حسین کریمان**

اسلام دین رحمت و مهربانی است. اما این بدان معنی نیست که انسان از وعیدها و تهدیدهای خداوند نهراسد و نسبت به **حق‌الله و حق‌الناس کوتاهی کند** و جرات نماید که در پیشگاه **حکایت الهی** گفتاری و رفتاری نادانسته باشد که به معنای **حلال کردن حرام خدا** و **حرام کردن حلال خدا** باشد. بسیاری از مردم از روی علم و عمد یا جهل و خطا و اشتباه، گناهی می‌کنند و حق خدا و خلق را نادیده گرفته و از حدود خود تجاوز می‌کنند. اینان می‌دانند که گناه و خطایی کرده‌اند، ولی نمی‌دانند چگونه از آثار و تبعات و پیامدهای آن رهایی یابند. نویسنده در این مطلب آداب و آثار حلالیت‌خواهی در حق‌الله و حق‌الناس را براساس آموزه‌های اسلام تبیین کرده است.

مفهوم حلالیت‌طلبی و عذرخواهی

واژه «حل» به معنای باز کردن است. وقتی چیزی بسته و محدود باشد، برداشتن آن محدودیت و گره را به معنای حلال می‌گویند. در قرآن واژه حل به معنای باز شدن گره از زبان در آیه ۲۷ سوره طه یا کاری و چیزی مانند عقد ازدواج و تعهدات آنان (احزاب، آیه ۵۰) و همچنین در آیه ۲ سوره مائده به معنای برداشتن محدودیت‌های وضع شده از سوی خداوند برای معتمر و حاج در عمر و حج به کار رفته است. از همین رو

عذرخواهی غیر از عذر تراشی و بهانه تراشی و توجیه‌گری کارهای زشت است؛ زیرا عذرخواه به اشتباه و خطا و گناه خود اقرار می‌کند و درصدد جبران برمی آید و توبه‌گر و استغفارجو است، اما بهانه تراش و عذر تراش، گریزان از خطا و گناه بودن است، زیرا کار خود بوده و به طور طبیعی آن را تکرار خواهد کرد؛ زیرا گناه و خطا بودن آن را نپذیرفته است.

وقتی سخن از حلال شرعی می‌شود مراد هر چیزی است که از تصرف خداوند قیند و بندهای آن برداشته شده و خداوند مجوزی برای تروی و ورود به آن محدوده را فرمان داده است. از این نکته دانسته می‌شود که اصل در فرهنگ اسلامی، جواز و حلالیت نیست، بلکه اصل وظیفه و تکلیف است. بر این اساس اسلام، تکلیف‌مدار و تکلیف‌محور است و انسان تا یقین نکرده نباید خود را آزاد و رها از تکلیف بداندند؛ زیرا خداوند فرموده ما انسان و جن را برای عبادت آفریدیم(ذاریات، آیه۵۶) و شکی نیست که عبادت پاینده و بنیادهایی است که در قالب واجب و حرام و مستحب و مکروه بیان شده‌ است؛ زیرا تنها انسان از طریق شریعت و تکالیف و وظایف شرعی است که می‌تواند به تقوایی دست یابد (بقره، آیه ۲۱) که انسان را خدایی (بقره، آیه ۱۷۸) می‌کند و زمینه را برای خلافت خداوند فراهم می‌آورد. (آل عمران، آیه ۷۹)

البته باید توجه داشت که آنچه بیان شد در دایره مفهوم حلیت لغوی است نه حلیت شرعی و همچنین در حوزه کلام است نه حوزه فقه؛ به این معنا که در حوزه علم کلام، اصل، تکلیف‌مداری و تکلیف محوری بشر است و انسان باید تحقیق و تفحص کند تا بداند چگونه می‌تواند تکالیف عبادی خود را که هدف آفرینش مخلوق است انجام دهد؛ اما در حوزه فقه اصل، حلیت است؛ زیرا خداوند در آیات قرآن فرموده است که همه‌چیز برای انسان حلال شده مگر خلاف آن را قانونی بیان شده باشد. (نگاه کنید: بقره، آیات ۲۹ و ۱۶۸؛ اعراف، آیات ۳۱ و ۳۲، یونس، آیه ۵۹؛ نحل، آیه ۱۱۴؛ سبأ، آیه ۱۵).

تحلیل کردن به معنای تجزیه کردن، پاره پاره کردن و موشکافی از همین ریشه حلال به معنای برداشتن قیدها و محدودیت‌هاست. حتی به نظر می‌رسد که کلمه حلول به معنای ورود و در باطن چیزی و در پوشش قرار گرفتن از همین معنا گرفته شده است؛ زیرا ورود در چیزی به معنای حلول یافتن همان تجزیه و برداشتن محدودیت‌ها برای ورود است. حله به معنای پوشش و پوشاک نیز مربوط به لازم این معنا است و می‌توان گفت معنای مجازی آن می‌باشد.

اما مفهوم اصطلاحی حلالیت‌طلبی که در عربی از آن با واژگانی چون تحلل و استحلال بیان می‌شود، به معنای برداشتن قیدها و محدودیت‌ها است؛ زیرا شخص وقتی خطا و گناهی می‌کند بر خود قید و بندی می‌افکند که با حلال‌خواهی از خدا و خلق از آن قید و بند آزاد می‌آید. رهایی یابد. در روایت است: من نال من جن شیئا من عرض او مال وجب علیه الاستحلال من ذلک؛هر کسی به چیزی از عرض و مال دیگری دست‌نرازی کرد بر او است از آن مورد حلالیت بطلید. (مستدرک الوسائل، نوری، ج ۱۲، ص ۱۰۵).

عذرخواهی و عذرپذیری

یکی از احکام و آداب اسلامی، عذرخواهی و عذرپذیری است. به این معنا که کسی عذر و پوزش می‌خواهد و دیگری عذرش را می‌پذیرد و از گناه و خطایش درمی‌گذرد و عفو می‌کند. عفو از مقام احسان است و اگر گام فراتر نهد و عذرخواهنده را مورد تکریم نیز قرار دهد، در مقام اکرام خواهد نشست که فراتر از آن مقامی نیست؛ چنان که اهل بیت(ع) از جمله امام حسن مجتبی‌) این کریم اهل بیت(ع) براساس آیه ۲۲ سوره فرقان عمل کرد و از مرد دشمنان‌گوی شامی نه تنها در گذشت بلکه او را مورد تکریم قرار داد و مهمان خویش نمود آن نظر منها و معنوی حمایتش کرد. عذر به معنای پوزش، دلیل و بهانه آوردن برای سرپیچی از امری، یا توجیه خطا و گناه خود (فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۹۸۷) اظهار اصلاح و توجیه نسبت به یاشا. امر ناخوشایندی است که از انسان صادر

پیشینه عزاداری عاشورا

نخستین بار خود خاندان پیامبر(ص) که در حقیقت منتشرکنندگان سنت نبوی بر اساس قاعده «هل‌البیت ادری بما فی‌البیت» بودند، عزاداری عاشورا را بنیان نهادند؛ داده‌های تاریخی، سوگواری و حتی یختن غذا در عاشورا را اولین بار از سبزو امام سجاد(ع) گزارش کرده‌اند.^(۱) پیش از این زمان از ام سلمه، همسر پیامبر - و دیگر صحابه، گزارش‌هایی مبنی بر پیشگویی و عزاداری عاشورا به ما رسیده است؛ فراوانی این گزارش‌ها را می‌توان در یکی از بنام‌ترین کتب تاریخی اهل سنت دید؛ صالحی‌شامی در «اللباب الثالث عشر فی‌اخبار(ص) بقتل الحسین‌بن علی(رض)» یافت که روایت از زنان و صحابه پیامبر نقل می‌کند که در همگی آنها به پیشگویی و سوگواری پیامبر در عزای حسین‌بن علی(ع) اشاره شده است؛ وجود نام‌های همسران پیامبر، ام سلمه، عایشه، زینب دختر جشش، همچنین ام‌فضل دختر حارث و حضرت علی(ع) در این اسناد، گویای گستردگی این مراسم است.^(۲) بعدها قندوزی نیز در «اللباب السنون فی‌الاحادیث الواردة فی‌شهادةالحسین صلواتالله و رحمة و برکاته و سلامه علیه را بحث کرده است^(۳) علاوه بر آن تاریخ، پیشگویی حضرت علی(ع) دربارهٔ حادثه کربلا را زمانی که آن حضرت برای نبرد صفین، از کربلا می‌گذشت، ثبت کرده است.

- احمدبن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰
- مفید، امالی، قم، کنگره، چاپ اول ۱۴۱۳، ص ۳۱۹.
- پاشاهدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱۰، ص ۱۵۲ به بعد.
- پنجابیه الموده، قم، سه چاپ دوم ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۷.



کسی که توبه نمی‌کند و استغفار نمی‌جوید و حلالیت‌طلبی نمی‌کند باید از آثار آن بهراسد؛ زیرا در روایت است: حضرت صادق(ع) فرمود هر کس به شخصی ستم روا دارد خداوند یک نفر را برمی‌انگیزد که با او یا فرزندش و یا با بازماندگانش از نسلش همانطور ستم کند.

شده است: ارحم ترحم؛ رحم کن تا به تو هم رحم کنند. **ضرورت حلالیت‌طلبی در دنیا** انسان باید پیش از آنکه دست عملش بسته شود در همین دنیا که دستش باز است حلالیت‌طلبی کند؛ زیرا چنانکه امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: البوم عمل بالاحساب و غذا حساب بلاعمل؛ امروز روز عمل است و حسابرسی نیست و فردای قیامت حسابرسی است و جایی برای عمل نیست. امام جعفر صادق(ع) می‌فرماید: هر کس به گردن او مظلمه و حقی از حیثیت یا مال برادر دینی خود دارد از او حلالیت بطلید پیش از آنکه روزی فرارسد که دیگر نه در همی (برای جبران آن) وجود دارد و نه دینار! (لئالی الاخبار، ج ۵، ص ۲۳۲ - بحار، ج ۷۵، ص ۲۲۴)

پس هر کسی مبتلا به حقی از حقوق بندگان خدا است، باید در همین دنیا حلالیت‌طلبی کند پیش از آن که دیر شود. از پیامبر(ص) روایت است که فرمود: هر کسی بر گردن برادر دینی‌اش ظلم و حقی دارد از او امروز



توجیه‌گری کارهای زشت است؛ زیرا عذرخواه به اشتباه و خطا و گناه خود اقرار می‌کند و درصدد جبران برمی‌آید و توبه‌گر و استغفارجو است، اما بهانه‌تراش و عذر تراش گریزان از خطا و گناه بودن کار خود بوده و به طور طبیعی آن را تکرار خواهد کرد؛ زیرا گناه و خطا بودن آن را نپذیرفته است. **عذرخواهی و شرایط آن** در آیات و روایات برای عذرخواهی، آداب و شرایطی بیان شده است. از جمله شرایطی که برای عذرخواهی در قرآن بیان شده می‌توان به ۱- حسن نیت (توبه، آیات ۹۱ تا ۹۳)، ۲- خلوص و اخلاص (همان)، ۳- صبر و جهاد برای اصلاح (همان و نیز؛ نحل، آیات ۱۰۶ تا ۱۱۰)، ۴- ترک عذر تراشی و بهانه‌جویی؛ چنانکه برخی در دنیا و قیامت انجام می‌دهند (فتح، آیه ۱۱؛ یوسف، آیه ۱۷؛ توبه، آیه ۴۲؛ قیامت، آیات ۱۳ و ۱۵) و ۵- اظهار پشیمانی (فتح، آیه ۱۱) و ۶- آن دادن برای عذرخواهی (مرسلات، آیات ۳۴ و ۲۶؛ نحل، آیه ۸۴) و مانند آنها اشاره کرد. البته می‌توان عذرخواهی کسانی را که این شرایط را ندارند رد کرد و نپذیرفت؛ زیرا کسی که بهانه‌تراشی می‌کند و یا پشیمان نشده است، پذیرش عذرش نه تنها سودی برای او طرف ندارد، بلکه موجب گستاخی و جرأت‌یابی طرف بهانه‌جو و عذر تراش می‌شود که جایز و روا نیست؛ چرا که هدف از پذیرش عذر، بازسازی و اصلاح امور و شخص است؛ نه ایجاد

کسی که حق معنوی و مادی دیگران را برعهده دارد باید به حلالیت‌طلبی برود و حقوق مادی را جبران کند و چنانچه هیچ راهی برای یافتن صاحب حق وجود ندارد و یا اطلاعاتی از او در دست نیست می‌تواند با آنن و اطلاع حاکم شرع و مرجع تقلید، رد مظالم بدهد.

بستری برای تجری و گستاخی. (نگاه کنید: نساء آیه ۹۷؛ توبه، آیات ۴۲ و ۴۳؛ چائیه، آیات ۲۳ و ۲۵). کسانی که واقعاً عذرخواهی می‌کنند اگر نمی‌دانند چگونه عذر بخواهند می‌توان به آنان آموزش داد چنانکه حضرت یوسف(ع) برادران را آموزش داد و روش آن را تلقین کرد. (یوسف، آیه۹۶) همچنین باید به افراد آموخت تا عذر بخواهند و از آن خجالت نکشند و به این شیوه تربیتی و اخلاقی عادت کنند. (یوسف، آیه۲۹؛ مائده، آیات ۲۲ تا ۲۵) عذرخواهی و عذرپذیری موجب می‌شود تا فرد و جامعه به پاکی و طهارت بر تدر دست یابند و اصول اخلاقی بر رفتارها حاکم شود. (نور، آیات ۲۲ و ۲۸)

البته در برخی از موارد عذرپذیری از نظر شریعت توجیه بیشتری دارد و باید آن شرایط را بیشتر مورد توجه قرار داد. به عنوان نمونه شرایطی که شخص: ۱- گرفتار جهالت (نساء، آیه ۱۷؛ انعام، آیه ۵۲؛ نحل، آیه ۱۱۹)، ۲- اجبار از سوی دیگری (نحل، آیه ۱۰۶؛ نور، آیه ۴۳)؛ بیماری (بقره، آیات ۱۸۲ تا ۱۸۵ و ۱۹۶؛ مزمل، آیه ۲۰)، ۵- تقیه و ترس (آل عمران، آیه ۲۸)، ۶- خطا و اشتباه (بقره، آیه ۲۸۶؛ نساء، آیه ۹۲)، ۷- ضعف و سستی (انفال، آیات ۶۵ و ۶۶؛ توبه، آیات ۸۶ و ۹۱)، ۸- ناتوانی (بقره، آیات ۱۸۴ و ۲۳۲)، ۹- غفلت (انعام، آیه ۱۵۶؛ اعراف، آیه ۱۷۲)، ۱۰- فراموشی و نسیان (بقره، آیه ۲۸۶) و مانند آنها شده باید عذر او را حتماً بپذیرفت.

قرار گیرد، نسبت به دیگران رحمت داشته باشید. براساس این اصل کسی که عذر دیگری را می‌پذیرد خودش در شرایط مشابه نیز عذرش بپذیرفت می‌شود. کسی که عذر دیگران را نمی‌پذیرد باید بداند خداوند نیز عذرش را نخواهد پذیرفت؛ زیرا کاری که عوض دارد گله ندارد. از همین‌رو گفته شد: هر کس به دیگری رحمت داشته باشد. براساس این اصل کسی که عذر دیگری را می‌پذیرد خودش در شرایط مشابه نیز عذرش بپذیرفت

البته انسان لازم نیست در همه مسائل به ویژه اموری که پنهان بوده برود حلالیت‌طلبی کند که گاه خود این فتنه‌انگیز و گناهی دیگر است.

روش سید بحر العلوم در شتوق طلب در نماز شب

در اکثر شب‌ها در کوچه‌های نجف می‌گردد، ولی هرگز نشنیدم این طلاب در نصف شب به تضرع و زاری و مناجات صدایشان بلند شود، چنین طالب علمی را استحقاق نیست که برایشان درس بگویم. چون طلاب این سخن را شنیدند همه به خود آمدند و به تضرع و زاری در شب شب روی آوردند و آن عالم زاهد دیگر بار به تدریس مشغول شد.

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند گرد و با دم دوست پرواز کنند(ابوسعید ابوالخیر)

از: کتاب داستان‌هایی از علماء به نقل از حوزه نیوز

ورق زدن صفحه خطای دیگران

صفحه به معنای ورق زدن است بگونه‌ای که شخص از گناه دیگری نه تنها می‌گذرد بلکه ورق می‌زند و یک صفحه دیگر را باز می‌کند که بطور طبیعی سفید است و به‌گونه‌ای عمل می‌شود که اصلا گناه و خطایی از شخص ندیده است و یک صفحه جدید در زندگی باز می‌کند.

صفح از خطای دیگران در آیات دیگری چون ۱۰۹ سوره بقره و ۱۳ سوره مائده و ۸۵ سوره حجر و ۲۲ سوره نور و ۸۹ سوره زخرف بیان شده است.



به عنوان نمونه اگر غیبتی در جایی گفته شده و به اطلاع شخص نرسیده نیازی نیست که حلالیت‌طلبی کند؛ زیرا خود بیان این خبر، موجب فتنه و مشکلاتی دیگر است. باید استغفار کرد و توبه نمود. امام‌صادق(ع) می‌فرماید: از پیامبر(ص) سؤال شد کفار غیبت چیست؟ حضرت(ص) فرمود: طلب غفران از خدا برای کسی که غیبتش شده می‌کنی. انسان باید هر وقت یاد گناه خود از غیبت و مانند آن افتاد استغفار کند، چنانکه شهید اول فرموده است: کفار غیبت پشیمانی و توبه و تأسف از عمل زشت خودش است و حزن و اندوه در چهره‌اش نمایان باشد و در همان حال از خداوند بخواهد تا او را ببخشد. ایشان از پیامبر(ص) روایت می‌کند که فرموده است:

هر کسی در حق برادرش ظلمی در عرض و مالش داشته باید پیش از آنکه قیامتی برسد که در آن دینار و درهم تأثیری ندارد و در آن روز حسناش گرفته می‌شود و به دیگری داده می‌شود و اگر نداشته باشد از بدی‌های آن فرد گرفته و به حسابش ریخته می‌شود، به فکر جبران باشد. این ظلم شامل پنهان و ذکر عیب در حضورش و همچنین علاقه شخص به اشاعه عیب است هرچند که آن را نگوید و همچنین شامل شنونده آنها و کسی که بدان رضایت می‌دهد می‌شود. برای همه این افراد خداوند به عنوان گناه کبیره، عذاب الیم را در دوزخ گفته است. ایشان می‌فزاید: خداوند به موسی بن عمران وحی کرد که حتی اگر غیبت‌کننده توبه کند، آخرین کسی است که به بهشت وارد می‌شود و هنگامی که توبه نکند اولین کسی است که وارد دوزخ می‌شود. (شرح اصول الکافی، الملا صالح المازندرانی، ج ۱۰، ص ۱۰)

به هر حال، اگر غیبت به گوش شخص نرسیده نیازی نیست که از خود شخص حلالیت بخواهد، اما اگر رسیده بهتر است که حلالیت بخواهد و بر غیبت ششونده نیز لازم است که عفو کند نه آنکه بگوید عفو نمی‌کنم و عذر واقعی عذرخواه را نپذیرد. اگر هم دسترسی به هر شکلی نباشد می‌تواند برای خودش و غیبت‌شونده استغفار کند.

کسی که توبه نمی‌کند و استغفار نمی‌جوید و حلالیت‌طلبی نمی‌کند باید از آثار آن بهراسد؛ زیرا در روایت است: حضرت صادق(ع) فرمود هر **اسلام بر این نکته تأکید دارد که برای اینکه خودتان نیز مورد رحمت قرار گیرید، نسبت به دیگران رحمت داشته باشید. براساس این اصل کسی که عذر دیگری را می‌پذیرد خودش در شرایط مشابه نیز عذرش بپذیرفته می‌شود. کسی که عذر دیگران را نمی‌پذیرد باید بداند خداوند نیز عذرش را نخواهد پذیرفت؛ زیرا کاری که عوض دارد گله ندارد. از همین‌رو گفته شده است: ارحم ترحم؛ رحم کن تا به تو هم رحم کنند.**

کس به شخصی ستم روا دارد خداوند یک نفر را برمی‌انگیزد که با او یا فرزندش و یا با بازماندگانش از نسلش همانطور ستم کند. (وسائل‌الشیعه، باب جهاد نفس، ص ۲۴۴)

در برخی دعاهای نیز آمده که ما از خداوند متعال می‌خواهیم که اگر حق‌الناسی بر گردن ماست خداوند متعال با عنایت خود، آن شخص را از ما راضی بگرداند. ظلم برمی‌دارند و اگر حسناش نداشته باشد از بدی‌ها و سیئات آن مظلوم برمی‌دارند و به حساب ظالم می‌گذارند و کسی که مظالم بسیار بر او جمع شود و به حق توبه کند و بر او سخت باشد که از مظلومان حلالیت طلبد پس باید در همین دنیا بر حسنات خویش بیفزاید برای روز قیامتی که باید در آن قصاص شود و باید بعضی از نیکی‌های خویش را که بین او و خداوند است با کمال اخلاص انجام بدهد در جایی که جز خداوند بر آن آگاهی ندارد تا شاید این اعمال، او را به خدا نزدیک کند و به لطف الهی برسد که خداوند آن را برای ارباب ایمان ذخیره کرده تا بدان مظالم بندگان را از آنان دفع کرده و رضایتشان را فراهم آورد. (روح‌البیان، اسماعیل حقی ج ۲، ص ۱۶۷؛ و نیز نگاه کنید: تفسیر القرطبی، ج ۱۶، ص ۳۳۸) از نعمت‌های خداوند به این امت آن است که اگر کسی گناهی کرده که از حقوق الهی است مانند زنا تا زمانی که کسی مطلع نشده و شرایط حد فراهم نیامده می‌تواند بدون اقرار پیش کسی و تنها با توبه نزد خداوند بازگردد و عذرش را پاک کند و حد و عذابی برایش نباشد. بنابراین از نعمت‌های خداوند به این امت آن است که اگر کسی گناهی کرده که از حقوق الهی است مانند زنا تا زمانی که کسی مطلع نشده و شرایط حد فراهم نیامده می‌تواند بدون اقرار پیش کسی و تنها با توبه نزد خداوند بازگردد و عذرش را پاک کند و حد و عذابی برایش نباشد. بنابراین از این دعا امکان پارامی‌نشی خدا و راضی کردن شخصی که حق وی ضایع شده استفاده می‌شود زیرا داد نسبت به امر محال صورت نمی‌گیرد از این چنین دعایی صورت گرفته دالت بر امکان چنین کاری دارد.

حلالیت‌خواهی در حق مالی

قاعده تلف مال غیر می‌گوید که اتلاف‌کننده ضامن است: من اتلف مال‌الغیر فهو له ضامن. ریشه این قاعده روایاتی چند از جمله روایتی از امام‌صادق(ع) است که می‌فرماید: من اضر بشی من طریق المسلمین فهو له ضامن؛ هر کس در مسیر مسلمانان، زیان بدهد آورد، ضامن است. (وسائل‌الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۹، ص ۱۷۹، ج ۲) همچنین آن حضرت(ع) در مرسله معتبر ابن عمیر فرموده است: کل اجبر یبعلی الامر علی ان یصلح فیفسد فهو ضامن؛ هر اجبری که او مرز پرداخته می‌شود تا کاری را در سامان رساند، ولی او آن را نیت سازد، ضامن است. (وسائل‌الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۲۷۱) پس اگر کسی شیشه مردم را شکست و براساس قاعده تلف و اتلاف باید با هر طریقی از جمله جبران خسارت، حلالیت بطلید.

در روایت است: مردی از قبیله نعلب گفت به حضرت باقر(ع) عرض کردم من از زمان حجاج تاکنون همواره فرماندار و والی بودهام آیا توبیاهم پذیرفته می‌شود؟ حضرت جواب فرمود. مرتبه دوم تکرار کردم. فرمود نه، پذیرفته نمی‌شود مگر هر کسی بر تو حقی دارد حق او را به خودش بگردانی. (وسائل‌الشیعه، جهاد نفس، ص ۵۲۴).

حضرت صادق(ع) فرمود: هر کس به شخص یا عاقل یا غرض یا آبروی او ستم روا دارد واجب است طلب گذشت و حلیت نماید و ذمه خود را بری کند از آنچه نسبت به او کرده. هر گاه صاحب حق مرده باشد برات و آزادی دمه‌اش به این است که مال را به ورئه او بدهد و نیز توبه نیز کند آنچه کرده و واقعا پشیمان از این کار شود. (مستدرک الوسائل، ص ۴۴۳). به هر حال چنانکه از آله روایت و قرآنی و حدیثی روز دوشنبه به دست می‌آید، انسان باید حلالیت طلبی کند. این حلالیت طلبی به اشکال گوناگون خواهد بود. از جمله آنها استغفار و طلب غفران برای مظلوم و در حق او و توبه از کار خود است. کسی که حق معنوی و مادی دیگران را برعهده دارد باید به حلالیت طلبی برود و حقوق مادی را جبران کند و چنانچه هیچ راهی برای یافتن صاحب حق وجود ندارد و یا اطلاعاتی از او در دست نیست می‌تواند با اذن و اطلاع حاکم شرع و مرجع تقلید، رد مظالم بدهد. اما در خصوص حقوق معنوی لازم است صدقانه از شخص مظلوم حلالیت بطلید. و آن فرد هم باید را در احلال کند و عذرش را بپذیرد و چنانچه اگر طرف مقابل سخت‌گیری کند و رضایت ندهد و بگوید من تو را نمی‌بخشم، چنین شخصی باید بداند که برخلاف رویه خداوند عمل می‌کند، چون خداوند به بندگانش دستور به عفو و گذشت داده و خود نیز این صفت را در حد اعلا به منصفه ظهور می‌دهد و می‌رساند، در چنین شرایطی، فرد حلالیت طلبیده نباید نگران باشد زیرا آنچه وظیفه‌اش بوده صدقانه و خالصانه انجام داده و طرف مقابل باید پاسخگوی عدم پذیرش عذر در پیشگاه خدا باشد.

تولد پاک می‌کند، چنین شخصی را می‌شود و خداوند از خزینه خود در قیامت رضایت مظلوم ضامی را جلب می‌کند. البته باید توجه داشت همه آنچه در این مقاله در خصوص حلالیت طلبی و عذرخواهی بیان شد به حیطه‌های فردی و شخصی مربوط می‌شود و موارد مرتبط با حقوق اجتماعی و ظلم‌های کلان اجتماعی که همه افراد جامعه را در برمی‌گیرد احکام و شرایط خاص خود را دارد که در قوانین جزایی و کیفری به تفصیل بیان شده است.

صفحه معارف روزهای یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۳۹۴۱۹۹۱ - ۰۲۵۰۲۲۲۱

صفحه ۶ یک‌شنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۵ ۳۰ ذیحجه ۱۴۲۷ - شماره ۲۱۴۵۵

چراغ راه

پيامد تخریب چهره مومن

قال‌الامام‌الصادق(ع): «سن روی علی مومن روايهٔ یرید بها شینه و هدم مروته لیسقط من عبین‌الناس اخرجه‌الله من ولایتہ الی ولاہ‌الشیطان فلا یقبله الشیطان».

امام‌صادق(ع) می‌فرماید: اگر کسی سخنی را بر ضد مومنی نقل کند و قصدش از آن زشت کردن چهره او و از بین بردن وجهه اجتماعی‌اش باشد و بخواهد او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از محور دوستی خود خارج می‌کند و تحت سرپرستی شیطان قرار می‌دهد، (ولی) شیطان هم او را نمی‌پذیرد. ^(۱)

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۵۸

حکایت خوبان

آثار ظلم به برادران دینی

در تفسیر امام حسن عسکری(ع) روایت شده‌است که علی‌بن‌ایطالب(ع) در خصوص آیه اتقوا اللّٰتی التّی وفودها النّاس و الجحار، بپرهیزید از آتشی که آتش گیره آن انسان و سنگ است، فرموده است: ای شیعیان و پیروان ما بپرهیزید و بترسید از اینکه شما برای چنین آتشی هیزم باشید، اگر چه کافر به خدا نیستید، خود را از این آتش با ستم نکردن به برادران دینی نگه دارید. هر یک از شما به برادر خود که با او در دوستی ما شرکت دارد ستمی روا دارد خداوند در میان همین آتش زنجیر و غل و را سستگین می‌نماید و هیچ چیز او را نجات نخواهد داد مگر شفاعت ما و ما هرگز شفاعت نمی‌کنیم پیش خدا مگر بعد از اینکه واسطه شویم پیش آن برادرش. اگر او گذشت و بخشید، شفاعت می‌کنیم و الا درنگ او در آتش زیاد خواهد شد. ^(۲)

۱- مستدرک‌الوسائل، جهاد نفس، ص ۳۴۲

پرسش و پاسخ

راهکارهای افزایش تقوا

پرشش:
چه راهکارهایی برای افزایش و تقویت مرتبه تقوا در قرآن و احادیث آمده است؟
پاسخ:

«تقوا» یعنی خود نگهداری و خویشنداری و در قرآن کریم آمده است: «والمی‌ترین شما نزد خداوند تقواترین شمامت»؛ (حجرات - ۱۳) «و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است...» (بقره - ۱۹۷)
بله در اهمیت تقوا همین آیات کافی است که خدا می‌فرماید گرامی‌ترین و بزرگوارترین بنده نزد من آن بنده ای است که وقتی در موقعیت گناه و انحراف قرار می‌گیرد، خود نگهداری کند و مرتکب گناه نشود. حال برای دستیابی به راهکارهای افزایش تقوا باز به سراغ آموزه‌های الهی می‌رویم و آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- عبادت

قرآن می‌فرماید: «ای مردم پروردگار خود را پرستش او عبادت کنید...! تا پرهیزگار شوید.» (بقره - ۲۱) از این آیه فهمیده می‌شود که عباداتی مانند روزه، نماز، تلاوت قرآن و ... عباداتی مانند کمک به یتیمان، یتیم‌نوازی و خدمت به خلق و ... همه اینها به افزایش تقوا کمک می‌کند.

۲- مطالعه احوال گذشته و عبرت گرفتن از آنها
«سا به آنها که روز شنبه نافرمانی و گناه کردند!» گفتیم: «به صورت یوزنه‌هایی طرد شده درآید» ما این کفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسل‌های بعد از آنان، و پند و اندرز برای پرهیزکاران قرار دادیم.» (بقره - ۶۴، ۶۵)

۳- روزه
ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته او واجب شده همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزگار شوید.» (بقره - ۱۸۳)

خداي متعال در آیه ۲۰ سوره بقره عبادت را برای افزایش تقوا معرفی کرده، و در این آیه به طور خاص «روزه» را معرفی می‌کند با اینکه روزه یکی از عبادات است معلوم می‌شود که پیش از آن روزه در افزایش تقوا بسیار مهم است.

۴- پرهیز از راههای انحرافی
قرآن کریم می‌فرماید: «لَتَنْتَبِهَنَّ الْهُیُوبُ فِیْضِلْکَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» «هوای نفس پیروی ممکن که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد» (ص - ۲۶)

۵- سیر در مسیر الهی
«این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به این من‌فرامی می‌کند، تا پرهیزگار شوید.» (انعام - ۱۵۳)

۶- یادآوری نعمت‌های الهی و انجام وظایف
«أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکُمْ فَحَدِّثْ» «همینا پروردگارت را باژو کن!» (ضحی - ۱۱) «لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِدْکُمْ مِنْ لَدُنْیَ فَکَرَّمْتُ لَیْنِیَ عَلَیْکُمْ لَئِنْ کَفَرْتُمْ لَأَکْثِفْ عَذَابِیَ» «اگر شکرگزاری کنید (و نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر کفر کنید، عذابم شدید است» (ابراہیم - ۷)

۷- توجه و تکرر در آیات معاد، و آگاهی به عالم برزخ و قیامت و چگونگی حسابرسی انسان‌ها

آیاتي مانند: «و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و نه از شفاعت پذیرفته می‌شود» و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه باری می‌شوند.» (بقره - ۲۸)

۸- باور و یقین قلبی به موارد زیر نیز باعث ایجاد انگیزه در رعایت تقوا می‌شود:

اینکه انسان بداند:
الف. خدا با پرهیزگاران است. (بقره - ۱۹۴)
ب. خدا پرهیزگاران را دوست دارد. (آل عمران - ۷۶)
ج. پرهیزگاران را نعمت‌های الهی بیشتری بخوراند. (حجر - ۴۵)
د. تقوا عامل فلاح و رستگاری و سعادت است. (بقره - ۱۸۹)
ه. تقوا عامل و توفیق و زاهدن‌شدن رزق می‌باشد. «و اگر کار شهرها و آبادی‌ها، [پیمان] می‌آورند و [استقامت] پیشه می‌کنند، برآند آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی [آنها] حق را تکذیب کردند، ما هم آنان را به کفر اعمالشان مجازات کردیم.» (اعراف - ۹۶) «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جای که گمان ندارد روزی می‌دهد...» (طساق، ۲-۱۰) «و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند کار را بر او آسان می‌سازد.» (طلاق - ۴) در پایان توصیه می‌شود ملاقات و دیدار علمای ربانی و اولایای خدا و مطالعه احوالات و زندگی‌نامه بزرگان در افزایش تقوا و ملکه شدن آن بسیار مؤثر و راهگشا می‌باشد.



سلوک عارفانه

ناپایداری تحولات دنیایی از منظر سالک الهی
(بدان ای سالک راه خدا!) انسان در این عالم در معرض تحولات است، گاهی مصیبت‌ها بر او وارد می‌شود و گاهی دنیا به او رو می‌آورد و به مقام و جاه و مال و ثروت و قدرت و نعمت می‌رسد و این هر دو پایدار نیست، نه آن کم و کاستی‌ها و مصیبت‌ها تو را محزون کند که عنان صبر از دستت برود، که گاه شود آنچه مصیبت و کمبود است برای تو خیر و صلاح باشد: «هسی ان تکرها شیئا و هو خیر لکم احدید - ۲۳» و در اقبال دنیا و رسیدن به آنچه شهادت اقتضا می‌کند خود را مایز و تکبر و فخر بر بندگان خدا مکن که بسا باشد که آنچه را خیر می‌دانی شر باشد برای تو.^(۱)

۱- وعده دیدار، نامه‌های امام خمینی(ره) به حاج سیداحمد، ص ۱۰۷